



صنعتگران و خوشنویسان ایران

در عصر تیموریان

(صفحه ۱۴)

محب علی : مولانا محب علی یکی از صاحبان ذوق و قریحه خاک پاک هر آنست که در نواختن موسیقی و مخصوصاً بی و همپیمانان در لطافت طبع و خوشنویسی شهرت تامی دارد. و پسر مولانا رستم علی خطاط معروف هرات می باشد (۱) در ولایت فارس مسافرت های زیادی کرده و تقریباً نصف زیاد عمر او در آنجاها گذشته است دوره جوانی شهرت او متصادف است با زمان سلطنت اسماعیل اول و طهماسب صفوی چون مولانا محب علی خط نستعلیق را بر علاوه دیگر خطوط مخصوصاً خوب میتوشت فوق سر شاری در بدیهه کوئی و شعر سرائی داشت مورد تعلق شاه اسماعیل و طهماسب واقع گشت و مدت مدیدی بحکم سلاطین وقت به مصاحبت سام میرزا پسر اسماعیل اول که از باب فضل و هنر رابی اندازه دوست میداشت مقرر بود ولی بعدها هنگامیکه سلطنت به طهماسب رسید محب علی را از سام میرزای

برادر خود گرفت و جبراً به سید بیگ که یکی از خوانین و صاحب رسوخان عصر بود سپرد زیرا طهماسب تما ما شهزاده گمان صفوی را نظر به حسن جاه طلبی چندان خوب ندید . چون سید بیگ مذکور که مشهور به سید منصور است ذوق شاعرانه داشت محب علی را محترم داشته پیوسته با او لطف و شوخی می نمود چنانچه لطائف و خوش طبیعی های این دو خیلی معروف است . اشعار محب علی بدنبوده و نائی تخلص می کرده است . از اوست :

نیست غیر از بلا مرانب عشق زاول عشق تا نهایت عشق
آه ! مجنون عشق پیشه کجاست تا برم پیش او شکایت عشق

خلاصه چگونگی اوایل زنده گانی محب علی در پرده خفا مانده و در تمام تزك و توار پنج از او ذکری نرفته است . مگر تا جائیکه معلوم است در سنه ۹۷۳ هجری قمری پدرود حیات گفته محب علی را در نوشتن اکثر خطوط مخصوصاً در نگارش خط نستعلیق بی اندازه تعریف کرده اند .

محمد الکاتب بلخی : عوفی در لباب الالباب خویش او را چنین میستاید :

« جوانی که چرخ نظیر او ندیده و گردون درین کیهان ذاتی مستجمع تر از او نشنیده در خط بدرجه که ابن البواب انکشت بر حرف او نتواند نهاد و این مقله دیده از مشاهده دلبران خط او بزرگتر تواند داشت ^{بابت فرسنگی} »

از هرفنی که باز جوئی او در علوم آن فن بیامدست گوئی او را در شعر عدیل انوری و در خط عطار دش مشتری و با این وفور فضائل بسماحت خلق و کرم طبع و لطافت ذات و دوست انگیزی و مردم داری موسوم و خلاصه آن فضایل است (۱) «
محمد اکبر : پسر محمد جعفر کفایت (بهر دیف ک مراجعه شود) و برادر

« عبدالله درایت (بهر دیف د مراجعه شود) است . چندین خط را خوب می نوشت و بقول مولانا غلام محمد دهلوی صاحب تذکره خوش نویسان (طبع هند) پادشاه جهان و عالمگیر شاهان مغلی هند معاصر بود .

محمد او بیی : مولانا محمد او بیی از استادان و ناموران خط نستعلیق است .

چندین خط دیگر را نیز خوش مینوشت . صاحب آئین اکبری او را بنام

برادر خود گرفت و جبراً به سید بیگ که یکی از خوانین و صاحب رسوخان عصر بود سپرد زیرا طهمااسب تماماً شهزاده گمان صفوی را نظر به حسن جاه طلبی چندان خوب نمیدید . چون سید بیگ مذکور که مشهور به سید منصور است ذوق شاعرانه داشت محب علی را محترم داشته پیوسته با او لطف و شوخی می نمود چنانچه لطائف و خوش طبیعی های این دو خیلی معروف است . اشعار محب علی بدنبوده و تائیدی تخلص می کرده است . از اوست :

نیست غیر از بلا مرائب عشق زاول عشق تا نهایت عشق
آه ! مجنون عشق پیشه کجاست تا برم پیش او شکایت عشق

خلاصه چکونلی اوایل زنده گانی محب علی در پرده خفا مانده و در تمام تزک و توار پنج از او ذکری نرفته است . مگر تا جائیکه معلوم است در سنه ۹۷۳ هجری قمری بدو در حیات گفته محب علی رادر نوشتن اکثر خطوط مخصوصاً در نگارش خط نستعلیق بی اندازه تعریف کرده اند .

محمد الکاتب بلخی : عوفی در لباب الالباب خویش او را چنین میستاید :

« جوانی که چرخ نظیر او ندیده و گردون درین کیهان ذاتی مستجمع تر از او شنیده در خط بدرجه که این البواب انکشت بر حرف او نتواند نهاد و این مقلد دیده از مشاهده دلبران خط او بر نتواند داشت :

از هر فنی که باز جوئی اوراع علوم السان فن بیامدست کوئی او را

در شعر عدیل انوری و در خط عطار دش مشتری و با این و فور فضائل بسماحت خلق و کرم طبع و لطافت ذات و دوست انگیزی و مردم داری موسوم و خلاصه آن فضایل است (۱)»
محمد اکبر : پسر محمد جعفر کفایت (به ردیف ک مراجعه شود) و برادر

عبدالله درایت (به ردیف د مراجعه شود) است . چندین خط را خوب می نوشت و بقول مولانا غلام محمد دهلوی صاحب تذکره خوش نویسان (طبع هند) باشاه جهان و عالمگیر شاهان مغلی هند معاصر بود .

محمد او بهی : مولانا محمد او بهی از استادان و ناموران خط نستعلیق است .

چندین خط دیگر را نیز خوش مینوشت . صاحب آئین اکبری او را بنام

مولانا احمد او بی بی یاد کرده است . (۱) راجع به شرح حال او معلومات بیشتر بنظر نرسید . لیکن اینقدر معلوم شده که علاوه بر خوشنویسی در نشر نویسی و انشا نیز شهرت زیاد داشته است .

محمد حسین (میرزا) : از خوشنویسان هرات و فرزند با هنر میرزا شکر الله

است . میرزا شکر الله از خوبشا و ندان و اقارب غیاث الدین خواند میر مؤلف حبیب السیر بود . و خواند میر نواده خواند شاه (میر خواند) مهر و فاضل صاحب روضه الصفا است که اجدادش از هرات به بلخ آمده و از مشاهیر آنجا گردیدند . (۲)

میرزا محمد حسین بنا بر حسد و حس جاه طلبی بعضی از امرای صفوی در زمان سلطان محمد خدا بنده بن شاه طهماسب بن شاه اسماعیل صفوی از هرات و خراسان به هندوستان فرار نموده بدربار همايون پادشاه کور گانی هند مورد اعزاز و اکرام واقع گردید . بعداً در سلك امرای اکبر منسلک گردیده و کمی بعد جهان را بدرود گفت .

محمد قاسم : اصلاً از هرات است اما در کابل و غیره ولایات افغانستان مدتهای

زیاد مسافرت کرده است . در خوشنویسی شهرت داشت . اقسام خطوط متعدد اول مخصوصاً استعلیق ، نلک ، و کوفی را خوب می نوشت . در سنه ۱۲۳۰ هجری قمری در کابل وفات یافته است ^{بر اثر حادثه خطی او در کابل کسب و نهادهای شخصی زیاد است .}

محمد مرسی : پسر محمد جعفر کفایت و برادر عبدالله درایت و محمد اکبر است

چندین خط را خوب می نوشت و از خوشنویسان عصر شاه جهان و عالمگیر شاهان مغلی هند بود .

محمد مؤمن : پسر عبدالله مروارید و مانند پدر در هرات نشوونما یافته و صاحب

فضل و کمالات شده است . اکثراً خطوط را مانند پدر فوق العاده خوب و زیبا مینوشت . چون سلطان حسین بایقرا بدرود زندگانی گفت و بعد از وی پسرش بدیع الزمان بر تخت سلطنت جلوس نمود ، طوریکه تاریخ شاهد است هرج و مرج های

(۱) صفحه ۷۵ آئین اکبری .

(۲) صفحه ۲۵۱ افغانستان در عصر کور گانیان هند نسخه قلمی موافق عبدالعی خان حبیبی

زیاده‌ی جا به‌گیری مهمت و صنایع هرات شد و هنرمندان از دست ظلم و جور و کشمکش و قتل و غارت امراء و خوالین ملوک الطوائفی فارس و ماوراءالنهر آن شهر زیبا و علم پرور را ترك گفته بهر طرفی متشتت گشتند . محمد مؤمن بجانب فارس و قزوین مسافرت نمود . شاه اسمعیل صفوی از هنر خوشنویسی واقف گردیده بدر بار خوبشش خواند و مورد عنایت خودش قرار داد . و در جمله خوهنو یسان کتابخانه سلطنتی مقررش کرد .

بالاخره در ۹۱۶ هجری پیمانه عمرش بسنگ اجل خورده شکست و بدنیای دیگر شتافت (۱) قرار بیکه صاحب پیدایش خط و خطاطان میگوید مجموعه از مقولات حضرت علی کرم الله وجهه در کمال نظافت و نفاست بخط خوش محمد مؤمن که بتاریخ ۹۰۵ هجری نوشته شده در یکی از کتابخانه‌های استامبول موجود است محمد مؤمن علاوه بر آنکه در کتابخانه سلطنت سفویان مشغول کتابت و استنساخ کتب بود به امر اسمعیل صفوی منصب معلمی شهزاده سام میرزا را نیز دارا بود (۲) .

محمد عظیم : پسر گلزارخان و از خوشنویسان قرن سیزده هرات است با اعلی حضرت امیر شیرعلیخان معاصر بوده است در خطاطی از استادان بود چندین خط مخصوصاً نسلک رافوق العاده زیبای نوشت تاریخ تولد و سنه وفات او معلوم نیست اما قرار معلوم تا ۱۲۹۵ هجری قمری حیات داشته است چنانچه نسخه از تفسیر ابن عباس (رض) بخط نسلک از او باقی مانده که در سنه مذکور به شهر هرات نوشته شده است . (۳)

محمد شهابی : در آسمان هنرهای هرات مانند شهابی درخشیده گی دارد . فرزند هنرمند خواجه اسحاق سیاوش است . در قرن ده هجری بهرات بوجود آمده و باطمینان اول صفوی و عبیدخان ترکمان ، همعصر بوده است چون شهرنش در خوشنویسی مخصوصاً در نگارش استعلیق باوج ترقی و تعالی رسید جمعی از بی کسب و کمالات و تعلیم خط در خدمتش بحیث شاگرد گمر بستند تا آن انقلا بات مدعش و خوینیکه در هرات بوقوع پیوست در آنجا مشغول نوشتن قطعات و کتب زیبا بود و موقعیکه عبیدخان ترکمان در قسمت خراسان بر طهماسب صفوی تغلب جست هرات را

(۱) پیدایش خط و خطاطان صفحه ۲۲۸ .

(۲) حبیب السیر جلد سوم جزء چهارم صفحه ۱۰۱۸ .

(۳) صفحه ۱۷۴ سال نامه ۱۳۱۴ کابل .

استیلا نمود خواجه محمود هراتی را با خود به بخارا برد و بیش از پیش بر جاه و مرتبه و جلالتش افزود خواجه محمود در خوشنویسی شاگرد میر علی هروی بود چنانچه از بس شیوه او را مشق نمود خطش از خط میر علی فرق نمیکرد و بدین سبب تا چندی در بعضی قطعات خود میر علی امضای نمود چون این قصه بگوش استاد میر علی هروی رسید قطعه زیر را نظم نموده برای او فرستاد :

خواجه محمود اگر چه بکچندی	بود شاگرد این حقیر فقیر
بهر تعلیم او دلم خسرو نشد	تا خطش یافت صورت تحریر
در حق او نرفتم تقصیری	لیک او هم نمیکند تقصیر
آنچه خود می نویسد از بد و نیک	رقمش میکند با سم حقیر

از آن پس خواجه محمود هر چه می نوشت با امضای خود می نگاشت و پس از چندی توقف در بخارا مجدداً بهرات باز گشته مصروف افاده و تعلم گردید درین وقت شاه حسین بلخی شهابی در هرات بود چون از کمالات و حسن خط خواجه محمود باخبر گشت او را بنزد خود خوانده مورد مراحم و الطاف بی پایان قرار داد و بدین مناسبت خواجه محمود به شهابی اهتیار یافت (۱) تاریخ فوت او معلوم نشد.

مشرقی : از هنروران و تهرای عهد تیموریان هراتست و بقول امیر علیشیر نوائی هروی بوده است خط خوشی داشت و همیشه خود را از راه خوشنویسی تامین می نمود گاهی خط فروشی را ترک میکرد چون محتاج وی چیزی بود نامم کرده مجدداً به سنت خوشنویسی توسل می نمود (۲)

معروف : مولانا معروف اگر چه از شیراز بود ولی در هرات عمر زیاده گذرانیده است. با آنکه با بزرگان و امرا معاشرت داشته و با هنرها و کمالات زیادی آراسته بود پیوسته در کسوت درویشان میزیست ابتدا در خدمت سلطان احمد جلایر اشتغال داشت پس از چندی به درگاه میرزا سکندر کور گانی مقرب گشت و این شهزاده تیموری در حق او لطف و مراحم بی پایان داشت.

(۱) صفحه ۲۳۳ کتب پیدایش خط و خطاطان

(۲) آثار هرات مولف خلیل الله خلیلی

میگویند رو بهمرفته در هر روز یا نصد فردا استنساخ می نمود و روزی هم بصورت فوق العاده بکمهزار و پنجصد فرد بحکم میرزا سکندر خوش نوشت (۱) چون شهرت او در خوشنویسی بسع شاهرخ میرزا رسید او را از شیراز به هرات طلبید و از اشفاقات هنر پرورانه اش مسرور فرمود مولانا معروف در کتبا بخانه شاه رخ مشغول استنساخ و استکساب گردیده هنروران و خوشنویسان زیادی را تعلیم خط داد.

بالاخره هنگامیکه در بیست و سوم ماه ربیع الثانی ۸۳۰ هـ احمدلر نامی در مسجد جامع هرات بعد از ادای نماز و خروج از مسجد به بهانه نقدیم داشتن عرضیه فرصتی بدست آورده بر شاهرخ میرزا حمله و او را زخمی نمود بعد از شفا یافتن شاهرخ مولانا معروف را به تحریک بایسنهر میرزا که ملال خاطر از مولانا داشت به جرم همکاری با مؤقصد احمدلر محبوس نمود. و بالاخره در همان سال یعنی در ۸۳۰ هـ پیمانه عمرش در محبس بسر رسیده پدر و حیات گفت. مولانا معروف علاوه بر اینکه خطاط زبردست بود اشعار نیکو و آبدار نیز میسرود چنانچه از اوست :

زترك چشم توهر تیر غمزه کا ممد راست

درون سینه اشست آنچه ان که دل میخواست

معین الدین احمد (شیریک) پسر میرزا حسین نام گشت اصلا از هرات بوده

ولی میر حسن جدبزرگش از بدبل خوشنویس که همین حسین نام داشت رنجیده بقصبه خوفاً آمده مستقر شد بعد از چندی میرک کمال پسر میر حسن مذکور با پسر خود میرک حسین که پدر معین الدین احمد میرک است، بهندوستان شتافتند مسکن کزید معین الدین پس از مرگ پدر به سرزمین دکن بسر میبرد. به فضل و هنر و خوشنویسی شهرت داشت در زمان شاه جهان باشهزاده دارا شکوه بقندهار آمده پس از مدتی واپس بهند مرا جعت نمود در سنه ۱۰۶۴ هـ از طرف شاه جهان به منصب دیوانی و بخش گیری (که شاید مستوفیت باشد) و واقعه نویسی صوبه ملتان مقرر شد. در عهد عالمگیر به رتبه دیوانی کا بل مقرر گردیده لقب امانت خان به او داده شد علاوه بر آن معین الدین

احمد در عهد عالمگیر به مناصب ووظایف دیگری نیز رسید که ذکر آنها در اینجا چندان لزومی ندارد خلاصه معین الدین احمد از جمله خطوط متداول آن عصر خط شکسته و نستعلیق را زیبا می نوشت و کتاب ترجمه شرعة الاسلام که در آداب شریعت نسخه ایست جامع از مولفات اوست بالاخره در ۱۰۹۰ بهندفورت نمود (۱) مقصود هروی : یکی از رجال دربار همایون - (۹۱۳ - هجری) پادشاه

مغلی هند بود خط رقاع و نستعلیق را خوب مینوشت نوی صنعتگر و هنر هند بزرگ بود اسطرلاب و کره و مسطری چند چنان بساخت که بیننده گمان بشکفت در آورد و در دوره اکبر پادشاه در فن خوشنویسی و هنر های خود یکتا بود. (۲) مقصود هروی ناسال ۹۵۱ هجری در هرات و فرآه بسر می برد ولی هنگامیکه

همایون پادشاه هند برای دفعه دوم به کنگر طهاسب صفوی بقصد هرات و فرآه و سیستان و قندهار حرکت نمود در سنه ۹۵۲ ه موقعیکه به فرآه و قلاع گرم سیر رسید مقصود را که در علم و کمالات و خوشنویسی معروف بود با خود گرفته بهندبرد چنانچه مؤلفا کبرنامه در ضمن ذکر احوال بعضی از ناموران هرات و فرآه و سیستان و قندهار که همایون ایشان را به همراهی خود تعیین نموده بود درباره اومی نویسد : « خواجه مقصود هروی مرد پاک طینت و پاک کیزه روزگار بود . به امانت دیانت و صدق و سیادت تصاف داشت و از ملازمان حمیده صفات حضرت مریم مکانی بود علی الدوام در حوالی هودج آنحضرت بوده التزام خدمت داشت از او دو فرزند سعادت مند ماند که نسبت کو کلماتی بحضرت شاهنشاهی دارند و یکی سیف خان و او در سال فتح هرات در کباب اقدس شربت خوشگوار شهادت نوشید و بگر زین خان کو که که بمزید ارادت و اخلاص و نور عقل و سیاست و علوفهم و ادراک و فرط فرزاندکی و مردانگی از منظوران نظر عاطفت حضرت شهنشاهی بوده در امرای کبار منسلک است (۳) « متاسفانه سنه فوت خواجه مقصود بدست نیامد .

(۱) صفحه ۲۵۸ - ۲۶۸ اثر الامرا جلد اول طبع هند .

(۲) صفحه ۳۱ آئین اکبری .

(۳) صفحه ۲۲۲ اکبر نامه طبع کلبکته .

ملا محمد حسین (خلیفه) :

از خوشنویسان قرن دوازدهم در اوایل قرن سیزدهم هجری هرات است. پدرش ملا عبدالاحد نام داشت تحصیل علوم را به نزد پدر خود نموده و در فن خوشنویسی از شاگردان میر عبدالرحمن هرویست.

از آثار خطی او یکی مثنوی مولانا جلال الدین بلخی است که با نهایت زیبایی به خط خفی نگاشته و به سردار محمد عمر خان حکمران هرات اهدا نموده است از شعر و ادب نیز بهره کافی داشت در سنه ۱۲۲۳ هـ ق وفات یافته است (۱).

ملك حافظ : پسر ملك غياث الدين كرت است كه بعد از برادر خود ملك شمس الدين كرت از سنه ۷۳۰ الی سنه ۷۳۲ هجری قمری والی هرات بود. جوان نیکو سیرت بود از فضل و علم و هنر بهره کافی داشت مخصوصاً خطوط متداول عصر را نیکو می نگاشت (۲).

منشی مولانا عبدالحی : منشی هراتی الاصل و در خط تعلیق - رآمد خوشنویسان بود در زمان سلطان ابوسعید کورگانی مدت مدیدی در رأس دیوان اشاء قرار داشت و بنویشتن مناشیر قیام مینمود پس از آنکه سلطان ابوسعید در سنه ۸۷۲ هجری در سر تسخیر بلاد عراق عجم و آذربایجان در قرا باغ بقتل رسید از هرات بطرف فارس مسافرتی کرده منظور نظر امیر حسن بیگ آق قویونلو واقع شد و تا اخیر وقت به دربار ترکانان آق قویونلو به همان ارقیه منشی دیوان منصوب بود.

میان لعل خان : برادر محمد موسی فوق الذکر و پسر محمد جعفر کفایت است مانند دیگر برادران خود پادشاه جهان و عالمگیر همعصر بوده است.

میر علی هیروی

صنعت خوشنویسی و توجه به خط خوب امریست طبیعی و خوشنویسان و خطاطان در ممالک اسلامی عموماً و در هرات خصوصاً نظر به اینکه اوقات عزیز خود را صرف استنساخ قرآن نویسی و کتب ادبی می نمودند و برای اینکه علماء و امرا از آن ها راضی بودند از همه محترم تر و مقام ارجمندتری را احراز نموده بودند به همین جهت

۱- کدلیکسیون سال ۴ مجله ادب هرات.

۲ رساله ملوک کرت مرافقه تجاعلی گردیا اعتمادی - غیر مطبوع متعلق به سیرت عمومی تاریخ.

حسن خط و خوشنویسی پیشرفت بسزائی نموده و ذوق ظریف یسندی و خوش سلیقگی در سلاطین و سایر رجال خطه هرات پرورش یافت .

اقسام خطوط منسداوله در اسلام چنانچه آثار و بقایای آنها هنوز در آبادات تاریخی هرات و نسخ خطی که از آنجا بدست آمده به مشاهده میرسد در هرات دور نهضت و ترقی خود را طی کرده و استادان معروف هرات هر يك بذات خود خواہ یکی یا چند نای آن را حتماً با اندازه خوب می نوشتند که شهرت و اعتبار آنها تا کنون زب صفحات تواریخ کشور است خط نستعلیق نیز که در اوایل قرن نهم هجری بظهور رسید، و از خط تعلیق زائید شد و مخترع آن میر علی تبریزی را میدانند، منتهای ترقی خود را در هرات پیموده و استادانی درین خط از آنجا به میان آمد که اگر هر کدام آنها دعوی سحر کاری و ابتکار را بنمایند حق دارند. از جمله کسانی که در هرات به نوشتن خط نستعلیق شهره آفاق گردید مولانا میر علی هروی خطاط و خوش نویس معروف وطن است. ابن استاد شهیر پسر محمد باقر ذوالکمالین است که خود نیز از اجله خوش نویسان هرات بشمار میرود . میر علی بدو در هرات بکسب علوم و فضائل پرداخته و در اثر کوشش و مجاهدت های خسته گوی ناپذیر پدر خویش از علمای برجسته گردیده در عروض و ادبیات سرآمد شد سپس به نزد پدر خود به تحصیل حسن خط پرداخته بعداً آنرا به نزد سلطان علی خطاط معروف ^{شکوه علوم انسانی و مطالعات} ~~عبدالمکمل~~ رسانید بعضی مؤرخین و تذکره نویسان مانند میر حیدر صاحب تاریخ رشیدی و چنان صاحب تاریخ کثیره او را از شاگردان زین الدین محمود خوش نویس میدانند. موقعیکه میر علی در میدان خوش نویسی گوی سبقت را رفته به ذروه اعتبار و اعتماد خود رسید در هرات هرج و مرجی به اثر جنگهای خوین که در بین اسماعیل صفری و محمد خان شیبانی در گرفت رونما گردید (در حدود ۵۹۲۳ ق) درین وقت خواجه نصر الدین عبدالله که از اجله بزرگان و اشراف هرات بود جمعیتی را ملتزم خود قرار داده بجانب ماوراءالنهر شتافت (۵۹۲۵ ق) از جمله کسانی که با او همراهی نمودند یکی میر علی هروی بود . چون به بخارا رسیدند خواجه نصر الدین عبدالله در حق او فرق المعاد احترام نموده مکانی مطلوب برایش معین کرد و او هم مشغول کار گردیده

اغلب اوقات خود را بکتابت خطوط مختلفه گذرانید. صاحب تحفه سامی می نویسد که درین اوقات از کثرت کار و نوشتن زیاد قوه باصره اش ضعیف گردیده بود اگر چه این استاد شهیر چندین خط متداول آن عصر را خوب می نوشت ولی کمال اوستادی او در نگارش خط نستعلیق بود. استاد میر علی هروی علاوه بر خوش نویسی و خطاطی در صنایع شعری نیز از جمله مشاهیر عصر خود بود اشعار او خیلی رنگین و بدیع است از روی بعضی آثار منظوم و انشائی معلوم میشود که پیوسته به نسبت دوری و جلای وطن در زحمت بوده و از حیات بخارای خود خیلی شکایت داشته است چنانچه میگوید :

عمری از مشق دوتا گشت قدم هم چون چنگ

تا که خط من بیچاره بدین قانون شد

طاب من همه شان جهانند و مرا

در بخارا جگر از بهر معیشت خون شد

این بلا بر سرم از حسن خط آمد امروز

و که خط سلسله پای من مجنون شد

روشکاه علم انسان و مطالعات فرهنگی
سپوخت از غصه در و نم چکنم چون سازم

پرتال علم که از این شهر مرا نیست ره بیر و ن شد

در سنه و محل وفات و مدفن میر علی هروی اختلافات فاحشی موجود است. چنانچه از جمله سید حسن خواجه نقیب الاشراف بخاری صاحب تذکره مذکور احباب که يك نسخه قلمی آن به نزد فاضل محترم هاشم شایق مشاور وزارت معارف موجود است تاریخ فوت او را به سنه ۹۵۱ نشان داده می نویسد: «میر زابیک دیوان او را بخواب دیدم و از تاریخ وفات پرسیده ملا در جواب او گفته که میر علی فوت نموده و مرز زابیک مدکور این تاریخ را لباس نظم پوشا نیده: -
آن بحر فضایل سرار باب هنر را در واقعه دیدیم با طوار ستوده
گفتیم که تاریخ وفات تو چکوئیم گفتا که بگو میر علی فوت نموده

وباز صاحب تاریخ کشیره اورا چنین توصیف و تاریخ وفاتش را به سنه ۹۵۳ هجری قرار میدهند در ترکیب خط از مفرد نامر کب شاگرد زین الدین محمود کاتب بوده، در خدمت استاد قدم چون قلم از سر کرده هم چون نی خامه کمر فرمان برداری بر میان جان بسته گویند در اندک زحمت سواد خطه خط را بدستبازی نیزه قلم چنان در زیر نسکین خود در آورده که خوش نویسان صحیفه عربی عالم چون خامه سراز خط فرغان او بیرون نسکردند خصوصاً نستعلیق که چنان نوشت که کتاب زمان از حیرت سرخامه به کزک دندان قطع میکردند. در تاریخ نهد و بیست و پنج بواسطه انقلاب زمان از خراسان برسم الخط سر خط تعلیم روزگار دید اما زما نیکه جریده عمرش بانجام رسید در شهر سنه ۹۵۳ هـ ق کرام السکاتین روزنامه حیاتش را بتوقیع ممان ختم کرد دانید در ولایت بخارا در مزار فائض الانوار قطب الاخیار حضرت شیخ سیف الدین مشهور بنخواجه فتح آباد مدفون گشت میرزا بیک دیوان بیگی از طرفای زمان بود تاریخ فوت مولانا را بخامه باقوت هم و بقلم مانی شیم چنین رقم کرده: «درینجا همان رباعی فوق الذکر که از تذکره مذکور احباب ذکر کردیم تذکار مینماید معلوم میشود که خود صاحب کتاب هم سهواً ۹۵۱ و ۹۵۲ نوشته است. مگر عبدالمحمد صاحب کتاب پیدایش خط و خطاطان بطور یقین مینویسد که میر علی هروی در سنه ۹۶۶ هجری فوت (۱) و به نزد بیک مقبره شیخ یوسف الدین مدفون گشت و ازین معلوم میشود که استاد پس از مدت های طولانی مجدداً عزم وطن کرده و به هرات مراجعت نموده است این هم نا گفته نماند که میگویند میر علی هروی هفتاد سال عمر نمود.

میرویس: اصلاً از سادات جلیل القدر هرات است، بکابل متوطن گردیده و مسکون چهاردهی از مضافات کابل بوده است. در خوشنویسی مهارت داشت در سنه ۱۳۱۰ بکابل وفات یافته است. آثار خطی او به نزد ذوقمندان خط موجود است.

ن

نامی: مولانا نامی از مردمان سبزوار هرات و در دربار سلطان حسین بایقرا هم گاهگاهی بار میافت. طبع ظریف و شوخی آمیزی داشت و همیشه با نشاط و خندان می بود در زمان خود به خوشنویسی شهرت داشت مگر بعضی ها شاید به نسبت رقابت و همچشمی خطوط او را نمی پسندیدند و از آن بد میگفتند چنانچه میر علی شیر نوائی در تذکره معروف خود می گوید: «(۱) مولانا نامی از ولایت سبزوار است و با نشاط و خط نستعلیق او شهرت تام دارد، اما او را هیچ منشی پسند نمیکنند به تخصیص مولانا عبدالواسع و خط نستعلیق او را هیچ خوش نویس قبول ندارد» درین شکی نیست که مولانا نامی خط را خوب می نوشته مگر اینکه چرا آن را پسند نمیکنند و چه چیزی نمی توان گفت جز اینکه خوشنویسان وقت باوی رقابت و حسد ورزی داشتند.

نجف سلمان: نجف علی هروی الاصل و در خوشنویسی شاگرد میر عبدالرحمن

معروف است، پدرش او را به آن استاد جلیل القدر جهت تحصیل خط سپرد و به اندک زمانی به کرسی استادی نشست روزی میر عبدالرحمن یکی از قطعات خطی او را ملاحظه و با سرودن این مصرع از وی نوازش نمود:

« قائم مقام بخط من نجف علی »

روشن او در خوشنویسی مخصوصاً در نستعلیق عیناً اسلوب میر عبدالرحمن است گاه گاه نجف علی برای اینکه ارزش خطوط خود بلندتر د. باشد در زیر قطعات و مرقعات خود میر عبدالرحمن هروی امضا می نمود، اما استاد بزرگوار او ازین روبروی آگاه گردیده ملول شد و او را سرزنش کرد.

نجف او آخر عمر را به عسرت و پریشان حالی گذرانده چنانچه از همین سبب است که پسرانها خوشنویسی را ترک گفته و به شغل سلمان پرداخته و به نجف سلمان معروف گشته است»

۱ - صفحه ۱۶۷ لطائف نامه فهری.

۱ - کنگره ۴ سال ۴ مجله ادبی هرات.

نگاهی : مولانا حاجی علی نگاهی از مشاهیر خطاگان هرات است . شخصی بسیار نامور و محترم بود . در زمان سلطنت حسین بایقرا زندگی میکرد و محل سکونت او در شهر هرات به محله مقریان وقوع داشت . چون صنعتگر ماهر و شاعر خوش طبعی بود میرعلی شیر نوائی او را بسیار دوست و عزیز میداشت . چنانچه از جمله کاتبان و خوشنویسان رسمی خط خراسان بود . از جمله خطوط مختلفه خط نستعلیق را خیلی ها خوب می نوشت و روش خطش بسیار بخته و محکم بود . لطافت سخن و شیرینی گفتار او معروف است . میگویند شخص فوق العاده یا کیزه نهاد و بی آلابش بود . اگر چه سورت زندگانی او مفصلاً معلوم نیست ولی با آنهم می توان گفت که تا حدود ۹۶۰-۶۵۰ ر. باز یاده بر آن حیات داشته است زیرا صاحب تحفه سامی میگوید (۱) که از هرات و اوقات بکتا بت میکند و هر روز چهار بار افیون میخورد . و از مطالعه این چند کلمه معلوم می شود که نگاهی تا ۹۵۷ که سنه تالیف تحفه سامی است حیات داشته است .

خلاصه نگاهی نه تنها از بهلولی صنعت خوش نویسی شهرت حاصل نمود بلکه اشعار او نیز رنگین است و می توان او را از جمله استادان شعر نیز محسوب نمود . از او است :

بابان دل شرح درد بی نوائی میکنند

دردمندی از دردلها گدائی میکنند .

و

وبسی : از هرات است . در خوشنویسی و خطاطی شهرت بسزائی دارد . اگر چه سوانح و گذارشان زندگانی او بسیار مجهول است ولی چیزیکه به یقین می توان گفت این است که مولانا وبسی در اواسط سلطنت سلطان حسین بایقرا (یعنی در حدود و ده سنوات ۹۸۰ و ۹۸۵) بدنیآ آمده و هم در آن عصر شهرت پیدا کرده است .

طمع ویسی در شعر فوق العاده بلند و متین بود ، چنانچه این غزل او مدعی
مارا ثابت میکند :

غزل

مدام چهره ام از خون دیده رنگین است
کلی که چیده ام از باغ عاشقی این است
زبان میندزد شناسم چون دعا کنمت
که گفته اند دعاها برای آمین است
بس است قوت دل و جان خسته فرهاد
حلاوت سخنی کز زبان شیرین است
خیال یار که بسکدم ز چشم تر شود
بجای مرد ملک دیده جهان بسین است
مگو بنظم تو تحسین نکرد ویسی یار
که یک تبسم او صد هزار تحسین است

مولانا ویسی نامدنی بهر ایت می بود سپس عزم کعبه شریفه نمود . قرار لطائفنامه
فخری (۱) درین سفر با ساغری هروی که یکی از شعری معروف هرانست همراه بود .
ویسی ازین مسافرت باز نکشت و در حین جهانگردی جهان را وداع گفت (۲)
مگر از روی بعضی ماخذ دیگر چنین برمی آید که ویسی در حین مراجعت و بازگشت
از کعبه شریفه در بین راه مسافرت فوت نکرده بلکه بعد از ادای فریضه حج
به زیارت مدینه منوره شتافت و در آنجا متوطن گردید ویسی فقیر مشرب و
بی بضاعت بود و مانند دیگر خوشنویسان و هنروران زمان نخواست از موقع
استفاده کرده جاه و مقامی را اشغال نماید. درین نازه کی بدست نیکارنده ماخذی
رسیده که نظر به آن راجع به مجاور شدن مولانا ویسی در مدینه منوره یا کدام

(۱) یاورنی صفحه ۶۰ لطائفنامه فخری .

(۲) صفحه ۶۰ لطائفنامه فخری .

حرم مبارک دیگر شک و تردیدی باقی نمی ماند این ماخذ همان تذکره مذکور
احباب مولفه مولانا سید حسن بخاری است که شرح آن را بیشتر دادیم
طوری که همه میدانیم اصل نسخه تذکره مذکور که در مرلین حفظ است به خط
مولانا ویسی می باشد ویسی در اخیر این نسخه میگوید: (۱)

ویسی هر وی مجاور خاک حرم در راه ایاز کمتر از خاک قدم
در نهد و هشتاد و سه این نسخه نوشت او را بدعا یاد کنند اهل کرم

از بن رباعی که گفته خود مولانا ویسی است ثابت است که ویسی تا ۹۸۳ هجری
مجاور حرم بوده و تذکره مذکور را در زمان مجاورت خود استنساخ کرده است
بعضی ها میگویند مولانا بعد از مدت طولانی اقامت در عربستان بالاخره عزم هند و ستان
نمود و در آنجا وفات کرد با اینهمه رو بهمرفته گذارشات زنده کسانی ویسی
مجهول مانده و هیچ ماخذی راجع به آن معلومات مفصل و اطمینان بخش نمیدهد

ی

یحیی سبیک : از افاضل ذیهار خراسان بشمار میرود بعضی ها مانند دولتشاه
سمرقندی (۲) و مولانا غلام محمد (۳) هفت قلمی دهلوی او را از نیشاپور میدانند.
همعصر شاعر خ میرزا بویه در نحو و شعر وی و شاعری شهره زمان بود. نشر
رائیه ز فوق العاده را در و زیبای نویشت در اشعار به چندین اسم متخلص بوده گاهی
واسطی زمانه اسراری چندی تفاحی و موقعی فتاحی و خماری تخلص کرده
است از اشعار او است :

آن ترک که صد خانه کمانش ز بی انداخت

سویت فلک نم گفت خدا یکی و نینداخت

(۱) صفحه ۳۴۵ نسخه خطی مکه احباب که نزد جناب هاشم شایق افندی موجود است
(۲) صفحه ۱۶۸ تذکره دولتشاه چاب پیشی.
(۳) صفحه ۴۷ تذکره خوشنویسان طبع هند.

وله

ایکه دور لاله ساغر خالی از می می کنی رفت عمر این داغ حسرت را ادا کی میکنی
از رسائل مولانا بیهی یکی منظومه خواننامه است که باین فرد شروع می شود :
ای برون و سفت ز تعبیر و کلام دا و در بیدا روحی لا ینام
و از مؤلفات منشور او در ساله معروف است یکی شبستان خیال و دیگری حسن دل در
سنه وفات او اختلافات است بعضی فوت او را در سنه ۸۵۱ (۱) و برخی در سنه ۸۵۲
می نگارند (۲)

بقینی : مولانا بقینی از نولد یافته کان شهر باستانی هرات است در لطافت طبع
و قریحه سرشار شاعرانه خویش شهرت نامی دارد در کتابت و خوشنویسی نیز معروف
است خط نستعلیق را منجمله خطوط متداوله زمان خوب می نوشت و در عصر فرخنده
هرات یعنی در زمان سلطنت سلطان حسین باقرا امرار حیات داشت جزئیات
و تفصیل زنده گانی او بکلی مجهول است .

یوسف شاه کاتب : از اجله خوشنویسان مقرر هرات بود طبع شعر هم داشت
و کاتب تخلص می نمود اقسام خطوط متداول عصر را استادانه می نوشت و با سلطان
حسین باقرا ، امیر علیشیر قوالتی همعصر بود (۳) خانمه
(علی احمد نعیمی)

(۱) صفحه ۱۶۸ تذکره دولتشاه طبع بهی .

(۲) صفحه ۱۴۸ جز سوم جلد سوم حبیب السیر .

(۳) صفحه ۸۶۱ ریاض الشعرا والة داغستانی .